

آن آثار را حذف کنیم (سانسور) - چنانچه امروزه سیمای جمهوری اسلامی نیز چنین کاری را انجام می‌دهد - متوجه می‌شویم که اثر تولید شده، نهایتاً در جهت یک پیام انسانی در حرکت است. این پیام می‌تواند یک پیام روان‌شناسانه، سیاسی، مذهبی، تکنولوژی، آینده‌محور و یا سرگرم‌کننده باشد به طوری که از سیمای جمهوری اسلامی نیز، بر همین مبنا قابل پخش است. بیایید از برهان خلف به این پدیده نظری بیفکنیم. معتقدم که اگر برخی از فیلم‌های ایرانی را در یک فرض محال، حتی آلوده به بخشی از صحنه‌های غیر اخلاقی کنیم، باز هم مخاطب جهانی، نخواهد داشت چون پی‌رنگ بخش زیادی از فیلم‌های ایرانی بر مبنای اصول علمی و متناسب با علوم روز و معضلات انسان معاصر بنا نشده است. پس آنچه که جاذبه یک فیلم سینمایی را برای مردم جهان بیشتر می‌کند نه صحنه‌های غیر اخلاقی آن، بلکه باطن آن پیامی است که می‌توان به بخشی از پرسش‌های انسان معاصر، پاسخ دهد، اگر چه پاسخ کاملی هم نباشد. به جهت آنکه از دایره انصاف خارج نشده باشم، همواره آن بخش از سینمای ارزشی کشورم را که شاخصه اصلی آن وثاقت و حقیقت است ستوده‌ام و امیدوارم این شجره‌ی طیبه سایه‌اش بر سر همه تولیدات هنری مستدام باشد.

### چگونه می‌توان در هنرهای نمایشی و تصویری، به فرمی رسید که دارای مختصات بومی و اخلاقی از جنس مردم همین سرزمین باشد؟

برای آن که بتوانیم اخلاقیات را، هم در فرم و هم در محتوی، به شکل مطلوبی نشان دهیم باید شناخت دقیقی از جامعه ایرانی داشته باشیم. جامعه ایرانی فقط تهران و اصفهان و تبریز نیست، بلکه هر دهستانی در دورافتاده‌ترین بخش کشور نیز بخشی از فرهنگ ایرانی است، لذا باید با شناخت سلیقه‌های متفاوت و خوانش خرده فرهنگ‌های متنوع در عین این تفاوت‌ها، نظر به اشتراکات ملی مذهبی ایرانی داشت و آثار پدید آمده را همچون فرشی با طرح‌ها و رنگ‌های متنوع، چنان یک‌دست عرضه کرد که در هر کجای جهان که دیده شود، مبین هنر ناب ایرانی باشد. باز هم از سینما مثال می‌زنم، این که در جامعه امروز چه سبک فیلم‌هایی مورد نیاز است، نمی‌توان تنها به یک ژانر یا گونه خاص از فیلم خلاصه کرد زیرا سینما دارای سبک‌ها و ژانرهای گوناگون است و مخاطبانش هر گونه اثری را لازم دارند، برای همین اگر فیلم طنز و اجتماعی تولید می‌شود حتماً باید در کنارش آثار سیاسی، خانوادگی یا مذهبی داشته باشیم. در سایه این گوناگونی ژانر، مطمئناً رونق اقتصادی نیز برای سینما حاصل خواهد شد چون افرادی که به دلیل نبود فیلم‌های مورد نظرشان سال‌ها از سالن‌های نمایش فاصله گرفته بودند به سینما باز خواهند گشت. متأسفانه یکی از گونه‌های مغفول در سینما ژانر کودک است این حوزه از حساس‌ترین بخش‌ها در سینماست چون اولاً وقتی فیلمی برای کودک تولید می‌شود مخاطبانش همه اقشار سنی هستند چون علاوه بر کودک والدین نیز به تماشای آن آثار می‌نشینند، دوم اینکه توجه به این گونه‌ی سینمایی، به نوعی تربیت مخاطب نیز هست، چون تماشاگری که از کودکی به یک ساحت یا گونه علاقه‌مند می‌شود مطمئناً در بزرگسالی نیز به آن مفهوم گرایش خواهد داشت. یکی از نیازهای امروز سینما توجه به خانواده است خانواده پایه و اساس هر جامعه‌ای است پس اگر بتوان خانواده را به شکلی صحیح و منسجم در آثار سینمایی تصویر کرد به نوعی برای جامعه الگو سازی صورت خواهد گرفت اما اگر بخواهیم در آثار سینمایی خانواده را از هم گسیخته نشان دهیم نتیجه برعکس خواهد شد. البته اشتباه نکنیم که نمایش معضلات امروز در خانواده‌ها خود نوعی رسالت هنرمندان است البته به شرط آنکه هنرمندان عرضه شده و جنبه‌هایی از سیاه‌نمایی را عرضه نکنند. اهمیت به خانواده نیز تنها در سینمای ایران مورد تأکید نیست بلکه حتی در فیلم‌های خارجی نیز همیشه خانواده اصلی‌ترین فاکتور بوده است. فرزندآوری، توجه به همسر، عشق، ایثار و زندگی پاک، محور بسیاری از فیلم‌های امروزی جهان است.

### به نظر شما دستیابی به این دستاوردهای فرهنگ‌ساز، تا چه حد به کارهای آموزشی، تحقیقی و پژوهشی در حوزه علوم انسانی وابسته است؟

من در حوزه مطالعات عالی هنر، خصوصاً حکمت هنرهای دینی مشغول به فعالیت هستم و سال‌هاست در این رشته تدریس می‌کنم، اما باید در دانشگاه‌های هنر حتماً روی کاربردی بودن موضوعات نیز توجه داشت چون اگر بخواهیم تنها دانشجویان خود را با موضوعات نظری پرورش دهیم، نمی‌توانیم نتیجه‌گیری لازم را کسب کنیم چون دانشجویان هنر مند در کنار موضوعات نظری، باید با حکمت عملی نیز آشنا باشد.



اخلاق ممکن است متفاوت باشد. اخلاق در ساده‌ترین تقسیم‌بندی آن می‌تواند به دو بخش اخلاق جهانی و انسانی و اخلاق منطقه‌ای یا لوکال تقسیم شود. اگر منظور ما از اخلاقی بودن، اخلاق انسانی و جهانی است، یعنی اخلاقی که قاطبه مردم جهان آن را تمجید می‌کنند، بلکه سینمای ایران مختصاتی از این نوع از اخلاق را دارد. یعنی وجه احساسی و عاطفی و اخلاقی هیچ مردمی در جهان از دیدن فیلم‌های ایرانی برآشفته نمی‌شود. اما اگر پای‌بندی و متخلق بودن به اخلاق منطقه‌ای است، بخشی از سینمای ایران، به هیچ وجه فراهم آورنده‌ی یک بسته اخلاقی متناسب با جامعه‌ی ایرانی نیست.

### چگونه می‌توان به این بسته اخلاقی متناسب با جامعه رسید؟

اخلاق در جامعه ایرانی از دو پشتوانه معرفت دینی و اصول عرفی برخوردار است که بی‌توجهی به هر کدام از آنها می‌تواند یک اثر هنری را از مدار کارکرد اخلاقی بیرون براند. مرز غیر اخلاقی بودن در یک اثر هنری، صرفاً پرداختن به پورن و ترویج قتل و سرقت نیست، بلکه بی‌توجهی به خود اخلاق هم نوعی بی‌اخلاقی است. گاهی در زیر یک پوسته آراسته، حجم گسترده‌ای از آموزه‌های غیر اخلاقی ترویج می‌شود که اگر از احاد جامعه‌ی اسلامی ما در مورد آن پرسش شود، نمره اخلاقی در خوری نمی‌گیرد و این خود بی‌اخلاقی است. در اینجا قابل ذکر است که همواره این اختلاف میان موافقان و مخالفان الصاق عنوان اخلاقی به هنر وجود داشته است، اما از آنجا که ما یک بحث کارکردی در باب سینما را دنبال می‌کنیم، از این چالش پرهیز نموده و خود را پیرو الصاق موضوع اخلاق به هنر می‌دانیم.

### پس با این نگاه، شاید بتوان گفت بسیاری از آثار وارداتی، می‌توانند بدون این که ظواهر اخلاق‌گرایانه مر سوم را داشته باشند، در بطن خود اخلاقی باشند...

اگر از برخی از تولیدات سینمای جهان، صحنه‌های غیر اخلاقی

از مظاهر مخلف آنها که هنر هم یکی از آنهاست استفاده کرده تا به آن ضربه بزنند.

### هنر انقلاب آیا هنوز حرف‌هایی برای گفتن دارد؟ همچنین بگویند هنرمند انقلابی امروز باید در چه حوزه‌هایی آگاه و مطلع باشد؟

با گذر، دهه‌ها از عمر هنر انقلاب هنوز این هنر نوپاست برای همین هیچ کسی نمی‌تواند ادعا کند این بخش از هنر را تا انتها پیموده است. هنر انقلاب را باید نوظد دانست که بخش عمده از اشکل مفهومی آن هنوز شناخته نشده است. درباره پرسش بعدی هم باید بگویم امروز رسانه حرف اصلی را جهان می‌زند پس هنرمند انقلابی باید در این رابطه آگاه باشد. این امتیاز اگر وجود داشته باشد دیگر شاهد برخی مکررات نخواهیم بود.

#### سید محسن موسوی:

#### اثر هنری باید مبین هنر ناب ایرانی باشد

سید محسن موسوی استاد دانشگاه هنر و استاد مدرسه اسلامی هنر به عنوان یک چهره دانشگاهی که در حوزه مطالعات عالی هنر و حکمت هنرهای دینی فعالیت‌های مطالعاتی بیش‌ماری انجام داده معتقد است که باید برای دستیابی به شاخصه‌های هنر بومی، از ظواهر بیرون آمد و به بطن و جزئیات تعریف‌شده دست یافت.

### یکی از ویژگی‌های هنر بومی در کشور ما، اخلاق مدار بودن آثار است. به عبارتی دیگر وقتی به عنوان مثال صحبت از شاخصه سینمای ایران می‌شود، کارشناسان بلافاصله اخلاقی بودن این سینما را مطرح می‌کنند. نظر شما در این باره چیست؟ می‌توان این نگاه به اخلاق را معیار بومی بودن هنر دانست؟

برخی مواقع ادعا می‌شود که سینمای ایران، یک سینمای اخلاق‌گرا است من با این موضوع چندان موافق نیستم چون تعریفم از